

فرودستان و منزلت انسانی

شرق؛ پترزبورگ برای روسیه قرن نوزدهم نمادی از نوع خاصی از توسعه است که می‌توان آن را توسعه آمرانه و از بالا نامید. مارشال برمن در «تجربه مدرنیته» فرایند مدرن شدن این شهر را بررسی کرده و آن را به عنوان نمونه‌ای مهم در نظر گرفته است. پترزبورگ در ادبیات روسیه هم حضوری پررنگ دارد. این شهر برای اولین بار به‌واسطه شعری از الکساندر پوشکین با نام «سوارکار مغرغی» و با عنوان فرعی «حکایتی پترزبورگی» به بستر روایت بخشی از مهم‌ترین شاهکارهای ادبیات روسیه بدل شد. بلوار نیوسکی این شهر از چند حیث اهمیت زیادی دارد. این بلوار، محل اجتماع شهر و مهم‌تر از آن، محل بروز تمایزها و فاصله‌های اجتماعی و طبقاتی هم بود. گوگول در آثارش از جمله در «بولوار نیوسکی»، «یادداشت‌های یک دیوانه» و «ماغ» این خصیصه را به تصویر کشیده و بر تمایزهای اجتماعی جامعه جدید دست گذاشته است. بلوار نیوسکی در واقع نقطه مواجهه طبقات پایین اجتماعی با افراد صاحب‌امتیاز بوده و گوگول این بلوار را «خط ارتباطات» پترزبورگ می‌نامد. به این اعتبار، حضور در نیوسکی برای تهدیدستان و کارمندان پایین‌ترینه خالی از ترس و تحقیر نبوده است. نیوسکی قلمرو

طبقه حاکم است و کارمندان و کارگران را به بیرون از مرزهای خود می‌راند.

داستایفسکی هم یکی از داستان‌های خود را بر بستر همین بلوار نوشته است. «همزاد» اگرچه جزء آثار مشهورتر داستایفسکی نیست اما یکی از آثار مهم اوست. این کتاب چند سال پیش با ترجمه سروش حبیبی در نشر ماهی منتشر شده بود و اخیرا چاپ تازه‌ای از آن منتشر شده است.

در «همزاد» کارمندی دولتی با نام گالیادکین عزم خود را جزم می‌کند تا با فرار از موقعیتی که در آن قرار دارد در بلوار نیوسکی حاضر شود. اما این اتفاق به چنان کابوسی تبدیل می‌شود که او را به مهلکه شک و تردید و در نهایت جنون می‌کشاند. گالیادکین، زاده پترزبورگ و نظام حاکم بر آن است. او دعوی منزلت انسانی و حضور در فضای عمومی شهر را دارد اما جایی برای او و دیگر کارمندان پترزبورگی نیست. گالیادکین از جمله نخستین شخصیت‌های دردکشیده و رنجور دنیای جدید است که نمونه‌های زیادی از آن را می‌توان در ادبیات مدرن یافت. گالیادکین شخصیتی دوباره است که در پی سرکوب آرزوها و امیالش، در فرایندی جنون‌آمیز آنها را به بیرون از خود پرتاب می‌کند و

مارتین لوتر کینگ و نامه‌ای از زندان



کرده بودند که نژاد سیاه گرفتار طلسم مجازات شده است؟ آیا آنها در وظیفه میهن‌دوستی‌شان قصور کرده بودند، به کشورشان خیانت کرده بودند، حقوق حقه ملی خود را نخواسته بودند؟ آیا از دفاع از سرزمین‌شان در برابر دشمن امتناع کرده بودند؟».

تمام تلاش تاریخ و روایت رسمی مبتنی بر جعل واقعیت و پنهان‌کردن بخش‌هایی از آن بوده است. آمریکا بر اساس رنج‌ها و ستم‌های سیاهان بنا شد اما در تاریخ رسمی به نقش سیاهان هیچ اشاره‌ای نمی‌شد. سال‌ها پیش از اینکه این پسر و دختر در وضعیتی که شرح‌ش رفت گرفتار شوند، برده‌داری با مبارزه‌ای طولانی از بین رفته بود و در واقع جنگ برده‌داری به پایان رسیده بود اما صلحی هم برقرار نشده بود و برابری به دست نیامده بود. برابری نیاز به انقلابی دیگر داشت که صد سال بعد از آن جنگ از راه می‌رسید. در تابستان ۱۹۶۳ و در بستری طولانی از تحقیرها و تبعیض‌ها و ستم‌ها، آزادی و برابری مردم تحت ستم را فرامی‌خوانند: «پسر جوان ساکن هارلم بلند شد. دختر جوان بیرمنگامی از جا برخاست. با اینکه فرسنگ‌ها از هم فاصله داشتند، هر دو شانه‌هایشان را صاف کردند و نگاهشان را به آسمان دوختند. از فرسنگ‌ها فاصله دست یکدیگر را گرفتند و قدمی محکم به جلو برداشتند. این قدمی بود که ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور را تا اعماق ریشه‌هایش به لرزه درآورد.». لوتر کینگ می‌گوید این داستان آن دختر و پسر جوان و داستان ماست که چرا نمی‌توانیم منتظر بمانیم. او پس از این تلاش می‌کند تا ریشه‌های شکل‌گیری انقلاب سیاهان در سال ۱۹۶۳ را بررسی کند و نشان دهد که انقلاب اگرچه یکباره رخ داده اما ریشه‌های قدیمی داشته است. یکی از بخش‌های قابل توجه این کتاب، نامه‌ای است که مارتین لوتر کینگ در ۱۶ آوریل ۱۹۶۳ از زندان بیرمنگام نوشته است. این نامه در واقع پاسخی است که او به اعلامیه انتشاریافته از سوی هشت روحانی همکارش نوشته است. نامه از حاشیه‌نویسی روزنامه‌ای آغاز می‌شود که وقتی او در زندان بوده اعلامیه در آن منتشر شده بود.

معرفی کتاب «مبانی و مرزهای حکمرانی مشورتی»

دموکراسی امکان عملی می‌یابد و تنها با وجود پیش‌شرط‌های دموکراسی مشورتی، بستر نقد سیاست به وجود می‌آید. رویکرد مشورتی در نظریه دموکراتیک بر جایگاه ارتباطات و تأمل در کانون دموکراسی تأکید دارد. مفهوم «مشورت» کانون بحث درایتز درباره دموکراسی است. نویسنده به این مسئله می‌پردازد که چطور مشارکت افراد متأثر از تصمیم‌ها می‌تواند به مشروعیت دموکراتیک منجر شود. وی اثربخشی و تمامیت نظام‌های مشورتی را حول مقوله «ظرفیت مشورتی» مورد دآوری قرار می‌دهد. به اعتقاد نویسنده ظرفیت مشورتی محصول ساختارهای خاصی با ویژگی‌های معین است که به طور کلی شامل مشورت «اصلی»، «فراگیر» و «نتیجه‌بخش» است. وی مشورتی را اصیل می‌داند که بتواند تأمل درباره نظام ترجیحات را به روشی غیراجباری برانگیزاند و به لحاظ گستره و شمول امکان نقش‌آفرینی تمام بازیگران و ذی‌نفعان درگیر را فراهم کند و از نظر نتیجه‌بخش و کارآ بودن، قادر باشد با تعین یا تأییدگذاری بر نتایج جمعی، تفاوت‌معدنادی ایجاد کند. نویسنده با طرح نظریات افرادی چون هابرماس

گالیادکینی دیگر می‌آفریند. همزادی که شکل تحقق‌یافته آرزوهای خود اوست. داستایفسکی در این دومین رمانش، روایتی از زندگی یک کارمند دون‌پایه به دست می‌دهد که می‌خواهد از موقعیت حقیری که در آن قرار دارد فرار کند. او در این زمان در پی صدابخشیدن به آدم‌های فقیر یا به تعبیری آدم‌های حاشیه‌ای است. این مضمونی است که داستایفسکی نخستین‌بار در رمان اولش، «مردم فقیر»، مطرح کرده بود و در «همزاد» به شکل واضح‌تری به آن پرداخته است. قهرمان «مردم فقیر»، کارمندی نسخه‌بردار و بی‌اهمیت در اداره‌ای دولتی است که شغل اصلی خود را «قریبانی شدن» می‌داند. شخصیت اصلی «همزاد» یک کارمند معمولی با نام گالیادکین است که یک روز صبح از خواب بیدار می‌شود و با کالسکه و فراگی اجاره‌ای می‌خواهد از حاشیه به متن «بلوار نیوسکی»، برود؛ به مراسمی که در آن دعوت نشده است. حضور گالیادکین با این شکل و شمایل در نیوسکی، چنان فشاری بر او تحمیل می‌کند که تحملش برای او ممکن نیست. اگرچه همه آدم‌های ثروتمند با کالسکه در این خیابان تردد می‌کنند اما حضور یک کارمند میان‌مایه در حکم تخطی از قانون حاکم بر عرصه عمومی است. گالیادکین

حسرت سنت-اگزوپری

شرق؛ اتنوان دو سنت-اگزوپری نویسنده‌ای است که بیش از هر چیز با داستان «شازده کوچولو» شناخته می‌شود؛ داستانی که تا امروز به بیش از صد زبان ترجمه شده و از پرخوانده‌ترین کتاب‌های ادبیات جهانی است. «شازده کوچولو» در ایران هم بارها از سوی مترجمان مختلف ترجمه شده که برخی از آنها از مهم‌ترین مترجمان معاصر ما به شمار می‌روند. در دهه سی و ده سال پس از انتشار این داستان در فرانسه، محمد قاضی آن را به فارسی ترجمه کرد و از آن پس این کتاب به دفعات مورد توجه مترجمان دیگر قرار داشته و هنوز هم از آثار پرفروش به شمار می‌رود و گاهی به نام ترجمانی که این داستان را به فارسی ترجمه کرده‌اند، می‌تواند جایگاه اهمیت آن را نشان دهد. اما سنت-اگزوپری فقط نویسنده «شازده کوچولو» نیست. او داستان نویسی است که آثار دیگری هم نوشته و به جز این، او خلبانی ماجراجو هم بوده که بسیاری از سفرهای عجیب و ماجراجویانه‌اش دستمایه نوشتن داستان‌هایش قرار گرفته است. جالب آنکه سنت-اگزوپری در یکی از پروازهایش از دختری که مورد علاقه‌اش بوده خواستگاری می‌کند و بعدتر در نامه‌ای که برای او می‌نویسد، رسماً به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد. نامه‌های این دو بعدها در قالب کتابی گردآوری و منتشر شد؛ این کتاب به‌تازگی با عنوان «از آسمان به گل سرخ» با ترجمه ابوالفضل الهتادای در نشر نو منتشر شده است. این کتاب شامل نامه‌های عاشقانه اتنوان و کسنولو دو سنت-اگزوپری در میان سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۴ است که با ویرایش آلین سزیزیه به چاپ رسیدیم است. مترجم در بخشی از یادداشت ابتدایی کتاب درباره خانواده و دوران کودکی کسنولو نوشته: «ششم آوریل ۱۹۰۱، در السالوادور، کوچک‌ترین کشور آمریکای مرکزی، دختری چشم به دنیا می‌گشاید که بعدها می‌گوید رویلیم این است که به ملکه‌ای در سرزمین‌های دوردست بدل شوم. خانواده این دخترک که کسنولو نام دارد، از ثروتمندترین خانواده‌های آرمنیا در استان سونسواته است؛ پدرش فلیکس در کار کشتش قهوه و زمین‌دار و نیز افسر ذخیره ارتش است. مادرش، ارسیلیا ساندووال گولامتایی‌الاصلی، زنی است مهربان که دخترش را با فرهنگ ناب اسپانیایی بزرگ می‌کند. کسنولو روزگار جوانی خوش و بی‌دغدغه‌ای را می‌گذراند و به آسانی دیپلمش را می‌گیرد. گرچه فقط ۱۵ سال دارد، دلش می‌خواهد تحصیلاتش را ادامه بدهد. پس بورس می‌گیرد تا راهی ایالات متحده شود و به لطف پدرش که برآی کار فروش محصول قهوه‌اش به کالیفرنیا می‌رود، تحصیلاتش را در کالیفرنیا ادامه می‌دهد. کسنولو در رشته هنرهای تجسمی آکادمی هنرهای زیبا به تحصیل ادامه می‌دهد. از همین زمان است که او دیگر، جز برای دیدارهای کوتاه، به کشور مادرش‌اش بر نمی‌گردد. در دوران تحصیل در سان‌فرانسیسکو با جامعه لاتین‌تبارهای آمریکا نوست و برخاست می‌شود و به همان جاست که با ریکاردو کاردوناس، جوان مکزیکی، آشنا می‌شوند و به عقد او درمی‌آید. در واقع این ازدواج باعث می‌شود که کسنولو مجبور نباشد به کشور مادرش‌اش برگردد و با کسی ازدواج کند که خانواده‌اش برایش در نظر گرفته‌اند». اما این ازدواج دوامی نداشت و کسنولو که به نقاشی و مجسمه‌سازی علاقه داشت، در اوایل دهه ۱۹۲۰ راهی مکزیک شد و در دانشکده حلقه ثبت‌نام کرد؛ اما سیر خودمختار باعث می‌شود که مکزیک را هم ترک کند و بعدها در آرزوتین برای اولین‌بار سنت-اگزوپری را ببیند.

به فضای توانمند، ۴. پاسخ‌گویی فضای توانمند به فضای عمومی،

۵. فرامشورت و ۶. قاطعیت است. درایتز مشروعیت دموکراسی را وابسته به تصمیمات جمعی می‌داند که در معرض پذیرش فکورانه افراد متأثر از آن باشد، افرادی که بتوانند در مشورت نتیجه‌بخش درباره تولید آن تصمیم مشارکت داشته باشند. پذیرش فکورانه‌ای که

هزینه سنگینی بر ظرفیت‌های مشورتی افراد یا جامعه تحمیل نکند.

رویکردی که حذف هیچ‌کس در آن به کار گرفته نشود و همه صداها به یک میزان امکان شنیده‌شدن داشته باشند. نویسنده در این کتاب، وجود اندیشه کثرت‌گرایی را یکی از توافقاتی می‌داند که باید برای رسیدن به مشروعیت مشورت وجود داشته باشد. و از کثرت‌گرایی به عنوان پیشینه و بنیان دموکراسی یاد می‌کند، چراکه نمایانگر عرصه‌های چندگانه قدرت است و با اقتدارگرایی و دیکتاتوری مبارزه می‌کند. بر همین اساس، نویسنده شرایط گفت‌وگو را مهم می‌داند و به الزامات آن می‌پردازد. نویسنده در این کتاب به دنبال این است که چگونه می‌توان مفهوم «ظرفیت مشورتی» را در زمان گذار و تحکیم دموکراتیک جوامعی که دارای حکومت‌های اقتدارگرا هستند به کار گرفت و عواملی که می‌تواند به دموکراسی‌سازی این کشورها بینجامد مورد واکاوی قرار می‌دهد. وی نشان می‌دهد چه نظام‌های سیاسی‌ای از دید مشورتی، غیردموکراتیک هستند. از دید نویسنده نظام‌هایی که فرصت‌های افسرد را برای تأمل آزادانه درباره ترجیحات سیاسی خود کاهش دهند فاقد ظرفیت مشورت هستند و این هشدار



در خصوص اهمیت «اجماع» به مثابه معیار طلایی مشروعیت سیاسی در دموکراسی مشورتی، سعی در نشان‌دادن تولید «فرا اجماع» به عنوان هدف کلیدی در منطق مشورتی دارد و این مقوله را معیاری مهم برای ارزیابی نظام‌های مشورتی می‌خواند. فرااجماع از سطح بالاتری از توافق و چانه‌زنی بین کنشگران برخوردار است و فرصت مطلوب‌تری برای شنیده‌شدن صداهای مخالف فراهم می‌کند. به اعتقاد نویسنده مشورت باید در سایه ایجاد فرا اجماع درباره ارزش‌ها، باورها، گفتمان‌ها و نظام ترجیحات شکل بگیرد و تنها در چارچوب کثرت‌گرایی؛ حذف‌ناپذیری دیدگاه‌ها، چشم‌اندازها، ارزش‌ها و گفتمان‌ها تولید می‌شود که این امر می‌تواند مشروعیت دموکراتیک و نمایندگی گفتمانی را بر عهده بگیرد. نویسنده به این مسئله می‌پردازد که چطور تحلیل دموکراسی بر پایه ظرفیت مشورت، نیازمند راهی برای تشریح اثربخشی نظام‌های مشورتی است. از دید وی توجه به منطق نظام مشورتی موضوعی است که برای رسیدن به حکمرانی متکی به مشورت در نظام‌های سیاسی لازم است. نویسنده به شش عنصر می‌پردازد که با بسط آنها از کثرت‌پذیری، دموکراسی‌سازی در جوامع امکان‌پذیر می‌شود.

۱. فضای عمومی. ۲. فضای توانمند، ۳. انتقال از فضای عمومی

در ابتدا از حضورش در خیابان لذت می‌برد اما خیلی زود به بدترین شکلی می‌فهمد که او فاقد اعتبار لازم برای حضور و اشغال عرصه عمومی است. او وقتی دو کارمند هم‌رتبه‌اش را در خیابان می‌بیند، به تاریک‌ترین گوشه کالسکه می‌خزد تا دیده نشود. بعد از این اتفاق، رئیس اداره سوار بر کالسکه‌اش از کنار کالسکه اجاره‌ای گالیادکین عبور می‌کند و دیگر هیچ فرصتی برای پنهان‌شدن وجود ندارد. در پی مواجهه کارمند و رئیس، گالیادکین از اساس وجودش را انکار می‌کند و خودش را به هر دری می‌زند تا اثبات کند که این من نیستم. او درست در نقطه کانونی ماجرا، میلش به برابری با رئیس را انکار می‌کند و بعد از این تمام آرزوها و امیالش از او جدا می‌شوند و در کسی دیگر، همزاد او، محقق می‌شوند. گالیادکین شخصیتی دوباره دارد که در موقعیت بحرانی شعورش را به‌طورکامل از دست می‌دهد. او زاده پترزبورگ و نظام حاکم بر آن است. او در پی منزلت انسانی و حضور در فضای عمومی شهر است اما نظم مسلط قوی‌تر از میل و اراده اوست. تخطی گالیادکین از نظم مسلط چنان موقعیت او را بحرانی می‌کند که ابتدا به شک و تردید و دست آخر به جنون کشیده می‌شود.

یکی از زندگی‌نامه‌نویسان سنت-اگزوپری درباره دیدار این دو نوشته: «اتنوان غافلگیر شد وقتی کسنولو را دید که با زبان فرانسه‌ای عجیب‌وغریب پرحرفی می‌کرد و او را به خنده می‌انداخت…»، مترجم کتاب هم اشاره کرده که نامه‌های کسنولو در این کتاب نشان می‌دهد که به زبان فرانسه تسلط ندارد و اشتباهات گرامری در نوشته‌های او دیده می‌شود؛ اما اتنوان پس از دیدار کسنولو دل به او می‌بازد و از او دعوت می‌کند که با هوایمایش چرخی بالای شهر بزنند. در همین پرواز خطرناک و نمایشی است که اتنوان دو‌سنت-اگزوپری از کسنولو که از ترس می‌لرزیده خواستگاری می‌کند. اتنوان کمی بعد یک نامه بلند ۸۳صفحه‌ای برای کسنولو می‌نویسد و در آن رسماً پیشنه‌اش ازدواج را مطرح می‌کند؛ در این نامه نخست او را «خانم عزیز» خطاب می‌کند؛ اما در پایان می‌نویسد: «نامزدتان، اگر بپذیریدش». مترجم کتاب درباره ازدواج این دو و تأثیر کسنولو بر سنت-اگزوپری نوشته: «این ازدواج شروع زندگی پرهیاهویی است که در خط به خط نامه‌های این کتاب کاملاً مشهود است. نکته شگفت‌انگیز این است که گرچه کسنولو دو‌سنت-اگزوپری نقشی چشمگیر در زندگی او و آثار اتنوان دو‌سنت-اگزوپری داشت، بسیاری ترجیح داده‌اند درمورد او سکوت کنند و حتی در اغلب زندگی‌نامه‌های نویسنده حرف چندانی از او به میان نمی‌آید. با این حال تأثیر کسنولو در زندگی اتنوان چنان بوده که نویسنده اعتراف می‌کند که می‌خواسته شازده کوچولو، اثر جاودانش را به او تقدیم کند و در یکی از آخرین نامه‌هایش افسوس می‌خورد که چرا این کار را نکرده است». پیش‌ازاین، نامه‌ها عاشقانه آلبر کامو و ماریا کاسارس نیز در دو دفتر با عنوان «خطاب به عشق» با ترجمه زهرا خالو در نشر نو منتشر شده بود. ماریا کاسارس و آلبر کامو اولین‌بار ششم ژوئن سال ۱۹۴۴ در پاریس، هم‌زمان با روز پیاده‌شدن نیروهای متفقین در ساحل نرماندی یکدیگر را دیدند. در این زمان ماریا بیست‌ویک‌ساله بود و آلبر کامو سی ساله. شرح حوادث میان آنها‌فاصله می‌اندازد تا اینکه در ششم ژوئن ۱۹۴۸ در بلوار سن‌ژرمان به هم برمی‌خورند و همدیگر را بازمی‌یابند و دیگر از هم جدا نمی‌شوند. نامه‌نگاری میان آنها دوازده سال ادامه داشته و نشانه‌ای است از عشق مقاومت‌شکن آنها. نامه‌های آنها نه صرفاً مکالمات خصوصی یک نویسنده و یک بازیگر، بلکه گوشه‌هایی از یک دوران مهم تاریخ جهان را نیز در خود بازتاب می‌دهند. خالو در بخشی از پیشگفتار کتاب درباره این نامه‌ها نوشته است: «در این مکثوبات با زوایایی پنهان و پیدا از جهان آلبر کامو و ماریا کاسارس آشنا می‌شویم. توالی نامه‌ها فضایی رمان‌گونه پدید می‌آورد با دو روای یا دو شخصیت پایاپای؛ نامه‌هایی که می‌توان آنها را مانند اوراقی از یک رمان مکتب‌ای خواند. لابه‌لای سطرها می‌شود بارقه‌هایی از تاریخ فرهنگی و اجتماعی سده بیستم فرانسه را ردگیری کرد و به نکات جذاب و مهمی رسید. نام بسیاری از نویسندگان و کارگردانان و بازیگران فرانسوی و غیرفرانسوی فراخور رویدادهای گوناگون در کتاب مطرح می‌شود؛ از بسیاری مکان‌ها نام برده می‌شود و مخاطب به این واسطه با نوعی تاریخ غیررسمی رودررو می‌شود. کامو و کاسارس از کتاب‌های هم نام می‌برند و درباره‌شان حرف می‌زند. خواننده می‌تواند برداشت و موضع نویسنده را درمورد این آثار براند؛ موضوعی که شاید چشم‌شدهام هیچ‌گاه در هیچ سطرهایی مطرح نکرده باشند.»

را می‌دهد که حکومت‌های خودکامه هدفشان در نهایت از توجه به ترجیحات شهروندان، فقط تشویق مردم به پذیرش اصول حکومت است حتی با تهدید و زور. ارتباطات وقتی حالت مشورتی می‌گیرند که افراد را به تأمل درباره ترجیحاتشان تشویق کنند؛ غیراجباری باشند؛ علایق افراد و گروه‌ها را به اصول عام‌تر مرتبط کنند. «دموکراسی مشورتی را می‌توان در تولید نتایج جمعی در تعاملات بین عناصر، بازیگران و مکان‌های مختلف در نظام مشورتی جست‌وجو کرد که فضای عمومی و فضای توانمند را می‌پوشاند (ص. ۱۱۸)». خوانندن کتاب مبانی و مرزهای حکمرانی مشورتی بیش از همه به علاقه‌مندان حوزه علوم اجتماعی و به ویژه علم سیاست و دولت‌ها پیشنهاد می‌شود. به کسانی که به دنبال فهمی از چگونگی شکل‌گیری بنیان‌های دموکراسی در کشورهای خودکامه هستند، خواندن این کتاب پیشنهاد می‌شود و البته به سیاست‌مداران و کارگزاران دولت کمک می‌کند تا به بینشی از منطق ظرفیت‌های

مشورتی در نظام سیاسی دست یابند. کتاب «مبانی و مرزهای حکمرانی مشورتی» اثر جان اس درایتز و ترجمه وحید موسوی‌دآور توسط نشر شیرازه در ۳۴۱ صفحه در سال ۱۴۰۱ با قیمت ۱۳۵ هزار تومان منتشر شده است. برای تهیه کتاب می‌توانید از طریق صفحه اینستاگرام برگ‌برگ اقدام کنید. برگ‌برگ صفحه تخصصی معرفی کتاب است که در رسانه‌ها به معرفی و نقد کتاب با توجه به نیازداند. با اسکن بارکد زیر به برگ‌برگ پیوندید.

